نگاه خارجی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفا جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Guardian

اعتبار اروپا در خاورمیانه از بین رفته است

یک سال بعد از سقوط بشار اسد در سوریه، احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه در نشست دوحه سخنرانی کرد و ماهرانه از زیر بار سؤالات مربوط به گذشته جنجالی‌اش طفره رفت و مسیر پیچیده کشورش را ترسیم کرد. همچنان که به سخنرانی احمد الشرع گوش می‌دادم، این به ذهنم رسید: اروپا در جنگ غزه موضعی غیراخلاقی گرفت و خود را از دیپلماسی هسته‌ای با ایران بیرون نگه داشت. نقش اروپا در خاورمیانه از این بابت آسیب جدی دیده است، اما همچنان وقتی پای همسایگانش در شرق مدیترانه می‌رسد، نقشی برای ایفا دارد. هماهنگ‌شدن واشنگتن با مسکو درباره جنگ اوکراین و شکاف فراآتلانتیکی در شرایطی که دولت ترامپ با اروپا مثل خصم رفتار می‌کند، دنیای اروپا را زیرورو کرده است. بُعد دیگر این آشوب بی‌اهمیت فزاینده اروپا در خاورمیانه است. اروپایی‌ها فقط زمانی می‌توانند به بازیابی نقش مستقل سازنده در این منطقه امیدوار باشند که بپذیرند، گذشته‌شان دیگر گذشته. بعد از بحران ۱۹۵۶ سوئز که پایان سلطه استعماری اروپا در خاورمیانه شد، اروپایی‌ها تسلیم این شدند که پشت سر ایالات متحده قرار بگیرند. واشنگتن تصمیم می‌گرفت و دولت‌ها و مردم اروپا هم همیشه موافق نبودند. معروف‌ترینش جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ بود؛ با این حال، ایالات متحده معمولاً اروپا را دعوت می‌کرد از ابتکاراتش حمایت کند و در نهایت اروپا هم تبعیت می‌کند. قرار بین دو طرف که در آن اروپا زیر چتر امنیتی ایالات متحده قرار می‌گرفت، باعث می‌شد این معامله برای اروپا بیارزد. آن چارچوب دیگر وجود ندارد. اروپا از خاورمیانه عقب کشیده و درگیر جنگی در قاره خود است. تضمین حمایت آمریکا از اوکراین، به‌خصوص در دوره دونالد ترامپ، مستلزم پذیرش بی‌چون‌وچرای سیاست‌های واشنگتن بوده است؛ از جمله درباره بمباران غیرقانونی ایران. از آن سو، ایالات متحده هم دیگر به اروپا به عنوان شریک اصلی خود در خاورمیانه نگاه نمی‌کند و مستقیم با بازیگران ظهورکرده منطقه‌مثل ریاض، دوحه، ابوظبی یا آنکارا تعامل می‌کند. در زمان جو بایدن هم این رویه مشهود بود. ترامپ حالا تلاش می‌کند اروپا را بیشتر به حاشیه براند. بازیگران منطقه‌ای هم مشتاق بازگشت اروپا نیستند. مهم‌تر از هر چیز، خودداری لجوجانه و غیراخلاقی اروپا در استفاده از اهرم نفوذش برای پایان‌دادن به جنگ ویرانگر اسرائیل در غزه، همان ته‌مانده اعتبار اروپا را هم نابود کرد. وقتی فردریش مرتس، صدراعظم آلمان به صراحت گفت اسرائیل دارد «کار کثیف» اروپا را در حمله به ایران انجام می‌دهد، تظاهر اروپا هم کنار رفت. اروپا دیگر به معیار دوگانه متهم نبود. به جز استثنائاتی محدود مثل اسپانیا، نروژ، ایرلند و هرازگاهی فرانسه، حالا اروپا این‌طور دیده می‌شد که اصلاً معیاری ندارد. نه اهرمی در کار بود نه اصولی. اروپا اساساً از روی نقشه حذف شده بود.

امروز هیچ امیدی درباره صلح در غزه ناشی از تلاش اروپا نیست. رهبران اروپا همچنان پشت برنامه ترامپ مخفی می‌شوند و از کاربرد هر گونه اهرم در مقابل اسرائیل پرهیز می‌کنند. امید اندکی که هست، به میانجیگری قطر است و نقش‌آفرینی کلیدی ترکیه، عربستان سعودی و مصر. اگر دیپلماسی ایران و آمریکا هم ادامه یابد، اروپا پیشگام فرایند نخواهد بود. تروئیکای اروپایی با فعال کردن اسنپ‌بک، موضع خود را تضعیف کرد و عملاً توافقی را پایان داد که خود به مذاکره‌اش کمک کرده بود. هر پیشرفتی در این مقطع متکی به همگرایی بین دول حاشیه خلیج[فارس] و ایران وابسته است، به‌خصوص نقش بالقوه عربستان سعودی در تسهیل گفت‌وگو بین واشنگتن و تهران. به طور خلاصه، در فوری‌ترین مسائل خاورمیانه، اروپا فقط می‌تواند از تلاش‌های دول حاشیه خلیج[فارس] برای اثرگذاری بر ترامپ حمایت کند. این حمایت مهم است، اما نقش اروپا در منطقه به جایگاهی درجه سه فرو کاسته شده است.

با این حال، خاورمیانه همچنان همسایه اروپاست و خام‌دستانه است اگر تصور کنیم اروپا می‌تواند تا ابد خارج از ماجرا بماند. در شرایطی که فضای مانور اروپا کاهش یافته است، اروپا باید بر عرصه کلی شامات، به‌خصوص لبنان، عراق و سوریه تمرکز کند. به جز سوریه، ایالات متحده چندان هم در لبنان یا عراق درگیر نیست. بازیگران منطقه‌ای نقشی اساسی دارند ولی هنوز خلأیی هست که اروپا بتواند پر کند. این جایی خواهد بود که اروپا همچنان بتواند نقش‌آفرینی سازنده‌ای داشته‌باشد.

نگاه تحلیلگران

تحریم مسیر تقابل را تغییر می‌دهد؟

تحلیل کارشناسان اندیشکده بروکینگز درباره اثرگذاری تحریم‌ها

عکس: علی محمدی/هم‌میهن

مدت‌هاست که تحریم عنصری مهم از جعبه ابزار روابط خارجی بوده است اما صحنه بین‌المللی که تحریم‌ها در آن عمل می‌کنند، در حال تغییر است. واکنش به جنگ روسیه در اوکراین، شامل مجموعه پیچیده‌ای از ابزارهای حکمرانی اقتصادی بوده است که به عرصه‌های انرژی، مالی و کنترل صادرات گسترده شده است. این روند، هم قدرت و هم محدودیت تحریم‌ها را در دوران رقابت قدرت‌های بزرگ و تغییرات سریع فناوری، برجسته کرده است. در این نوشته، کارشناسان اندیشکده بروکینگز، نظراتشان را درباره این می‌گویند که تحریم‌ها امروزه چطور به کار گرفته می‌شوند، اثرشان چه بوده است و تغییرات ژئوپلیتیک و بازارهای جهانی، چگونه در حال شکل‌دهی به آینده هستند. به‌طور خلاصه این که آیا تحریم‌ها می‌توانند مسیر درگیری را تغییر دهند؟

تحریم‌های بازار نفت بر درآمدهای روسیه فشار می‌آورند

رابین بروکس، کارشناس اقتصاد و توسعه جهانی و بن هریس، معاون اندیشکده و مدیر بخش مطالعات اقتصادی: بدون تردید، تحریم‌ها در اقتصاد اخلال ایجاد می‌کنند. دنباله تحریم‌هایی را در نظر بگیرید که در واکنش به تهاجم غیرقانونی روسیه به اوکراین، علیه تجارت نفت این کشور اعمال شده‌اند. این اقدامات، سودآوری صادرات نفت خام و محصولات پتروشیمی روسیه را کاهش قابل توجهی داده‌اند و در این فرایند، درآمدهای دولت در این زمینه را کم کرده‌اند. نمی‌شود دانست که آیا این تحریم‌ها و تحریم‌های دیگر، مسیر درگیری را تغییر می‌دهند یا نه، اما بدون تردید، تحریم‌ها می‌توانند بر کشورهایی که قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند، هزینه‌هایی بالاتر تحمیل کنند.

تحریم‌های حوزه انرژی غرب علیه روسیه، ممنوعیتی بر نفت دریایی روسیه در اتحادیه اروپا بودند و نیز اعمال سقف قیمت بر همه تراکنش‌ها شامل نفت روسیه که از خدمات مستقر در کشورهای گروه ۷، برای بیمه یا تأمین مالی استفاده می‌کنند. دستور وزارت خزانه‌داری در ژانویه ۲۰۲۵، برای تحریم ۱۸۳ کشتی روسی و ممنوعیت اکتبر ۲۰۲۵ بر تجارت با شرکت‌های روس‌نفت و لوک‌اویل، شرکت‌های نفتی روسی نیز حرکت‌هایی قابل‌توجه علیه روسیه بودند. ممنوعیت واردات اتحادیه اروپا، مسیرهای تجاری نفت روسیه را تغییر قابل‌توجهی داده است و مقاصد صادراتی را از اروپا خارج و به سمت آسیا برده است؛ با رشد قابل‌توجهی در هزینه‌های حمل‌ونقل. از آن مهم‌تر، به نظر می‌رسد این اقدامات متنوع، فاصله‌ای بی‌سابقه را بین قیمت نفت در بازار و قیمتی که روسیه بابت صادراتش دریافت می‌کند، حفظ کرده‌اند و درآمد روسیه را به شدت کاهش داده‌اند.

چنان که در نمودار نشان داده شده است، بلافاصله بعد از تهاجم به اوکراین، قیمت نفت اورال روسیه، شاخص اصلی نفت روسیه، نسبت به قیمت بازار که شاخص جهانی نفت برنت آن را نمایش می‌دهد، سقوط تندی داشت. این فاصله، زیاد ماند، تا زمانی که روسیه شروع به گرد هم آوردن «ناوگان سایه» نفتکش‌ها شد. پس از آن هم دوباره اواخر ۲۰۲۳ افزایش یافت، زمانی که ایالات متحده شروع به تحریم جداگانه نفتکش‌ها شد. نکته مهم دیگر اینکه به نظر می‌رسد، این تحریم نفتکش‌های ناوگان سایه از سوی دفتر کنترل دارایی خارجی (اوفک)، در وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، تأثیری منفی روی حجم صادرات داشته است.

این ابزارها در حفظ این فاصله در قیمت نفت مؤثر بوده‌اند و در نتیجه، درآمدهای نفتی روسیه را محدود کرده‌اند، اما استفاده روسیه از ناوگان سایه‌اش، نیاز به ابزارهای تقابلی بیشتر دارد. این باید شامل تحریم‌های بیشتر روی نفتکش‌ها از سوی اوفک باشد و نیز افزایش فشار بر کشورهای صاحب پرچم جهت رعایت قوانین دریایی؛ از جمله با الزام اینکه کشتی‌های حامل پرچم‌هایشان، بیمه مناسب داشته باشند. این اقدامات اضافی ناوگان سایه را تضعیف و روسیه را ناچار خواهد کرد شرایط سقف قیمت را رعایت کند.

سابقه طولانی تحریم ایران، مکرراً این را آشکار کرده که این ابزارها، نسخه‌های شفابخش نیستند: این ابزارها، چالش‌هایی در مسیر لغو خود ایجاد می‌کنند؛ انگیزه انطباق و دورزدن را ایجاد می‌کنند؛ محرک پیامدهایی ناخواسته برای منافع ایالات متحده می‌شوند و بر جوامع آسیب‌پذیر، آسیب‌های جانبی تحمیل می‌کنند. این موفقیت‌های نادر، برای دیگر بحران‌ها هم تکرارپذیر از کار درنیامده‌اند

تحریم، نسخه شفابخش نیست

سوزان ملونی، معاون اندیشکده و مدیر بخش سیاست خارجی: تحریم مدت‌ها جایگاهی مهم در جعبه ابزار آمریکا برای رسیدگی به تهدیدات علیه امنیت ملی داشته است؛ اما سابقه‌اش در دستیابی به جاه‌طلبانه‌ترین نتایج در سیاستگذاری، از قبیل حل‌وفصل درگیری‌ها، اصلاً یک‌دست نیست. سابقه طولانی و هزارتوی وسیع اقدامات آمریکایی و بین‌المللی که ایران را هدف گرفته‌اند، هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌های تحریم‌ها را نشان می‌دهد.

تصرف سفارت ایالات متحده در تهران در سال ۱۹۷۹، باعث اولین نمونه استفاده از قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی یا آی‌ای‌ای‌پی‌ای شد، جهت مسدودکردن تمام دارایی‌های دولتی ایران که در نهادهای مالی ایالات متحده نگه‌داری می‌شدند. واردات نفت ایران در ایالات متحده و فروش تسلیحات و قطعات یدکی نظامی به ایران هم ممنوع شد. آن مسدودسازی در کنار این اقدامات، در نهایت تهران را مجبور کرد مذاکره کند و بعد از ۱۴ ماه گروگان‌های آمریکایی را آزاد کند.

توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ ایران نمونه دیگری از موفقیت تحریم‌هاست. از سال ۲۰۰۶، واشنگتن، پیشگام استفاده از ابزارهای تازه‌ای شد که به شکلی فزاینده، دسترسی ایران به نظام مالی بین‌المللی را محدود و از این اهرم برای کاهش واردات نفت ایران در جهان استفاده می‌کرد. حاکمان ایران، به نقش کلیدی الزامات اقتصادی در تصمیم‌شان برای پذیرش محدودیت‌ها روی برنامه هسته‌ای‌شان اذعان کردند؛ تصمیمی که بعد از سال‌ها مقاومت در مقابل هر گونه مصالحه، اتخاذ شد.

اما این چند پیشرفت، نقاطی برجسته در میان دهه‌ها اعمال فشار اقتصادی بودند که در نهایت، تأثیر محدودی در پایان‌بخشی ماندگار به تهدیدات تهران داشتند. سابقه طولانی تحریم ایران، مکرراً این را آشکار کرده که این ابزارها، نسخه‌های شفابخش نیستند: این ابزارها، چالش‌هایی در مسیر لغو خود ایجاد می‌کنند؛ انگیزه انطباق و دورزدن را ایجاد می‌کنند؛ محرک پیامدهایی ناخواسته برای منافع ایالات متحده می‌شوند و بر جوامع آسیب‌پذیر، آسیب‌های جانبی تحمیل می‌کنند. این موفقیت‌های نادر، برای دیگر بحران‌ها هم تکرارپذیر از کار درنیامده‌اند. امروزه، ایرانی‌ها در حال تحمل دور دوم تحریم‌های کارزار «فشار حداکثری» از سوی دولت ترامپ هستند؛ با هزینه‌هایی که بیشترش را مردم عادی ایران می‌پردازند، با کمترین توانایی برای اثرگذاری روی نتیجه تقابل دولت‌شان با واشنگتن.

تحریم‌ها، بر الگوی جذب سرباز روسیه فشار می‌آورند

پاول بابِف، کارشناس ارشد سیاست خارجی در مرکز ایالات متحده و اروپای اندیشکده: تحلیلگران نظامی، معمولاً اثر تحریم‌ها را در بررسی مسیر عملیات جنگی، بی‌ربط می‌دانند اما حالا شاید ارزیابی‌های اقتصاددانان را مفید بیابند، از آنجا که هر دور تشدید رژیم‌های تحریمی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، داده‌هایی تازه ارائه می‌کند، درباره آزمایش منحصربه‌فرد محدودیت جریان سرمایه‌گذاری و تجارت برای یک قدرت بزرگ جهانی. این تلاش‌های مداوم و روبه‌گسترش غربی برای مجازات مهاجم، در تحلیل روند پیشرفت نبردهایی که هم ایستا هستند و هم سیال، حائز اهمیت هستند. آنچه این اهمیت را ایجاد می‌کند، آزمایش خود روسیه در جریان تلفات سنگین نظامی است، جبران، نه از طریق بسیج نیرو به شکل سنتی، بلکه از طریق جذب نیرو با پرداخت پول. این آزمایش، پس از آشوبی کلید خورد که در نتیجه بسیج نسبی در پاییز ۲۰۲۲، در جامعه روسیه ایجاد شد و نتایجی حاصل کرد که فرماندهی ارشد روسیه در طول سه سال جنگ فرسایشی پس از آن، آن را راضی‌کننده دیدند. مقامات منطقه‌ای که مسئول تهیه نیروی انسانی لازم بودند، توانستند با ارائه پاداش‌های امضای قرارداد این وظیفه را برآورده کنند؛ پاداش‌هایی که چندین برابر بیشتر از حقوق سالانه بود؛ اما بحران روبه‌تشدید در دارایی‌های دولتی در حال به‌بن‌بست‌رساندن این «سخاوتمندی» هستند؛ چراکه کسری بودجه فدرال، منجر به کاهش شدید انتقال منابع به بودجه‌های مناطق شده است. هر ابزاری که هدفش محدودیت درآمد روسیه از صادرات نفت باشد، این کمبود منابع را تشدید می‌کند و مؤلفه‌های آزمایش جذب نیرو را تغییر می‌دهد؛ آزمایشی که ممکن است ناگهان فروبپاشد.

موفقیت تحریم‌ها، به زمینه بستگی دارد

دنیل اس همیلتون، کارشناس ارشد سیاست خارجی در مرکز ایالات متحده و اروپای اندیشکده: تحریم‌ها می‌توانند تحت شرایطی خاص، مسیر درگیری را تغییر دهند. آن‌ها به‌خصوص زمانی مؤثر هستند که از سوی ائتلافی گسترده و به عنوان بخشی از مجموعه‌ای وسیع‌تر از اقدامات سیاستگذارانه به کار گرفته شوند. این اقدامات از فشار دیپلماتیک تا تحمیل نظامی گسترده می‌شوند؛ به عنوان مثال، ایران در سال ۲۰۱۵، تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی،